

: [20.1001.1.22286713.1400.13.48.3.6](https://doi.org/10.22286/13.1400.13.48.3.6)

علل قبض و بسط حوزه نفوذ و تسلط سلغریان فارس (۵۴۳-۶۸۶ق) در بحرین

سید کاظم موسوی سعد^۱

علی بحرانی پور^۲

چکیده: با یورش مغولان، جزایر خلیج فارس اهمیت یافتند. بحرین از مراکز مهم اقتصادی و تجاری بود که مورد توجه قدرت‌های آن روز قرار گرفت. اتابک ابوبکر سلغری (۶۲۳-۶۵۸ق) با تصرف جزیره کیش و استفاده از ضعف دولت عیونی بحرین (۴۶۹-۶۳۶ق)، با یورش بحرین را تصاحب کرد. سلغریان در نهایت زیر فشار قبایل بنی عامر و ظهور محمود قلهانی (۶۴۱-۶۷۶ق) و تهدیدهای مغولان، از بحرین عقب نشستند و حکومت آنجا را به سران بنی عامر سپردند (۶۵۴ق). نوشته پیش رو با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای در پی توصیف شیوه فتح بحرین توسط سلغریان و دلایل عقب‌نشینی آنها از آن سرزمین است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در سطح محلی وقایعی چون رقابت بنی عامر و در سطح منطقه‌ای برآمدن ملوک جدید هرموز و در سطح بین‌المللی ناامنی بوم و بر ایران بر اثر حملات مغول، به عقب‌نشینی سلغریان فارس از بحرین منجر شد.

واژه‌های کلیدی: اتابک ابوبکر سلغری، جزیره اُوال، قطیف، قبایل بنی عامر، حکومت

عیونی بحرین

۱ کارشناس ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس، دانشگاه شهید چمران (نویسنده مسئول) اهواز
kadim.mosavi@gmail.com

bahrani-por@hotmail.com

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۴ تاریخ تأیید: ۹۹/۱۰/۱۷

Reasons for the Expansion and Contraction of Persian Seljuk Domination in Bahrain (543-686AH)

Seyyed Kazem Mosavi Sad^۱

Ali Bahrani Pour^۲

Abstract: After the Mongol invasion, the islands of the Persian Gulf became more important. One of these islands was Bahrain, which was considered as one of the important economic and commercial centers by powerful countries.

Atabak Abu Bakr Salghari (623-658) AH, was able to invade and conquer Bahrain, after capturing the Kish Island, benefiting from the weakness of the Oyuni government of Bahrain (469-636 AH). Ultimately, the Salgharis left Bahrain due to the pressure of the tribes of Bani Amer and Mahmud Qalahati (641-676 AH), and the threats of the Mongols. Then Bani Amer tribe (654 AH) became the rulers of this land.

This paper intends to describe the conquest of Bahrain by the Salgharis using library resources and descriptive-analytical research methods and explains the reasons for their retreat. Studies show that different reasons, at different levels, have led to the departure of the Salgharis from Bahrain. At the local level, reasons such as the Bani Amer competition, at the regional level, the emergence of the king of Hormuz, and finally, at the international level, the insecurity of Iran after the Mongol invasions were such reasons.

Keywords: Atabak Abu Bakr Salghari, Oval Island, Qatif, Bani Amer Tribes, Bahraini Ionian government.

^۱ M.A. in History of Persian Gulf Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, (corresponding author) kadim.mosavi@ymail.com

^۲ Associate Professor of History, Shahid Chamran University of Ahvaz, bahranipor@hotmail.com

مقدمه

اتابکان سلغری فارس پس از یورش مغولان، با قبول ایلی به حیات خود ادامه دادند و با بهره‌گیری از شرایط سیاسی موجود، به فتح سواحل در دو سوی آب‌های خلیج فارس، به‌ویژه جزیره کیش و اوال بحرین مشغول شدند. در نیمه قرن ششم قمری، ملوک بنی‌قیصر با تلاش و در اختیار داشتن ناوگان دریایی کارآمد، توانستند آن را به مرکز تجاری خلیج فارس تبدیل کنند. بحرین نیز به علت بُعد نسبی مسافت از میدان تاخت و تاز مغولان و وفور منابع اقتصادی از قبیل کشاورزی و صید ماهی و مروارید و نقش ارتباطی شبه جزیره عرب با سرزمین‌های پیرامون، اهمیت خاصی داشت و تسلط و نفوذ بر آن به معنای کنترل دوسویه سواحل خلیج فارس و راه‌های تجاری شبه جزیره عرب منتهی به سواحل بحرین بود. اوضاع سیاسی بحرین همیشه تحت تأثیر قبایل قدرتمند ساکن بیابان‌های آن بود و این قبایل از هر فرصتی برای نفوذ به سواحل بحرین که از بیابان‌های آن ثروتمندتر بود، استفاده می‌کردند.

در دوره حکومت اتابک ابوبکر سلغری، سلغریان با درک اهمیت اقتصادی خلیج فارس، تمام تلاش خود را برای افزایش نفوذ خود در این منطقه به کار گرفتند و توانستند علاوه بر خلیج فارس، بر سواحل هند نیز اعمال نفوذ کنند. سلغریان با شکست ملوک بنی‌قیصر کیش، صاحب ناوگان دریایی مورد نیاز برای اعمال نفوذ در خلیج فارس شدند و با تصرف بحرین، راه‌های تجاری خلیج فارس را تحت کنترل درآوردند و مزایای اقتصادی مهمی به چنگ آوردند. در سال‌های آخر حکومت اتابک ابوبکر، ورق برگشت و با بحرانی شدن اوضاع جنوبی ایران در نتیجه غارت‌های مکرر و ظهور رقبای محلی و منطقه‌ای، سیاست بسط و توسعه نفوذ سلغریان، حالت دفاعی به خود گرفت و نفوذ سلغریان به‌ویژه در بحرین کاهش یافت.

ضرورت، اهداف و پرسش‌های تحقیق حاکی از آن است که در مورد چگونگی و دلایل گسترش و کاهش نفوذ سلغریان فارس در بحرین، هنوز مسائل و ابهامات زیادی وجود دارد. از این رو پیشینه چنین پژوهشی نیازمند بررسی‌های گسترده‌تری است تا ابعاد گوناگون آن آشکار شود. بر این اساس، در مقاله حاضر دو هدف عمده در این راستا پیگیری شده است. یکی بررسی چگونگی فتح بحرین توسط سلغریان به رهبری اتابک

ابوبکر سلغری و دیگری علل و عوامل مؤثر بر کاهش نفوذ سلغریان در بحرین. در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است که: تحت چه شرایطی و چگونه سلغریان فارس توانستند بحرین را فتح کنند؟ علل و عوامل مؤثر در کاهش نفوذ سلغریان فارس بر بحرین کدام‌اند؟ نقش این علل و عوامل در این کاهش نفوذ چیست؟

با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با کمک مطالعات باستان‌شناختی، برای بررسی پرسش‌های فوق و پاسخ به آنها، نخست باید نگاهی داشت به پیوستگی تاریخی بحرین با ایالت فارس تا اهمیت آن برای قدرت‌های شکل گرفته در این ایالت روشن شود. در این مورد، بحرین به عنوان سرزمینی مجاور، با نقش مهم اقتصادی و تجاری همیشه مورد توجه حکام ایرانی بود و در دوره‌های متفاوتی چون ملوک بنی‌قیصر کیش و امرای هرموز باج‌گذار آنها بود. ثروت‌های فراوان بحرین از جمله مهم‌ترین علت گرایش این قدرت‌ها به اعمال نفوذ در این سرزمین بود و نزاع‌های مداومی در پی داشت. از دیگر سو، این اعمال نفوذ همیشه تحت تأثیر شرایط داخلی و خارجی بحرین بود که در دوره‌های مختلف با توجه به همین شرایط شدت و ضعف پیدا می‌کرد؛ که این تحولات در بخش دیگری از مقاله مورد ارزیابی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق حاکی از آن است که در مورد تاریخ بحرین مطالعات زیادی صورت گرفته، اما درباره شیوه فتح و انضمام آن به حوزه نفوذ سلغریان فارس و دلایل مؤثر در این نفوذ، هنوز مسائل و ابهامات زیادی وجود دارد. با وجود این، تألیفاتی همچون مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس از عباس آشتیانی؛ سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان از محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه؛ نرم‌تان مرواریدساز خلیج فارس از مهدی تجلی‌پور؛ سواحل خلیج فارس از گردون لوریمر؛ دریانوردی عرب در دریای هند از جرج حورانی و همچنین کتاب *countries and trebes of the persiab gulf* نوشته s.b. miles در مورد تاریخ و تحولات خلیج فارس وجود دارد، اما این تحقیقات به علت پرداختن به موضوعات عمومی خلیج فارس در گستره زمانی و مکانی گسترده، به برخی مناطق خلیج فارس که در عین داشتن تشابهاتی با سایر مناطق خلیج فارس، از لحاظ اوضاع سیاسی و اجتماعی تفاوت‌هایی داشته‌اند، نپرداخته و یا اینکه به شکل مختصر پرداخته‌اند. در پژوهش‌های عربی به‌ویژه تحقیقات جدید نظیر کتاب *سلطنه* هرمنز العربیه از ابراهیم

خوری و عرب البحرین تألیف خلیل محمد محمود و کتاب جزیره العرب فی قرن العشرين از حافظ وهبه، مطالب مفیدی درباره بحرین به ویژه دوره مورد بحث وجود دارد، اما چون نگارندگان این آثار تحت تأثیر اندیشه‌های جدید قومی گرابی قرار داشتند، با حوادث تاریخی جانب‌دارانه برخورد کرده‌اند. در مقاله حاضر که تنها به دوره نفوذ سلغریان فارس در بحرین پرداخته شده، سعی شده است تحولات این دوره با استفاده از کتب تاریخ و جغرافیا و شعر و گزارش‌های باستان‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش به دامنه نفوذ سلغریان فارس در بحرین و جایگاه سیاست نفوذ در اندیشه سلغریان فارس، به ویژه اتابک ابوبکر سلغری پرداخته شده است که گنجانیدن تعاریف زیر ضرورت می‌یابد.

حوزه نفوذ: یک اصطلاح جغرافیایی است به معنای قلمروی که حق برتری سیاسی یا اقتصادی یک دولت بر آن به رسمیت شناخته شده است؛ حتی اگر مقدار کاربرد قدرت آن دولت بر آن قلمرو اندک یا هیچ باشد (آشوری، ۱۳۹۸: ۱۴۳).

قدرت دریایی: در میان نظریه پردازان، نظریه قدرت دریایی با نام «آلفرد تایر ماهان»^۱ شناخته شده است، اما اهمیت و نقش نیروی دریایی در تاریخ کشور ما از پنج هزار سال گذشته تاکنون بر کسی پوشیده نیست. ژئوپلتیک در نیمه اول قرن بیستم با نظریه‌های متعددی توسعه یافت. نظریه «قلب زمین» هالفورد مکیندر،^۲ قدرت دریایی آلفرد ماهان، نظریه «ریملند» نیکولاس جان اسپایکمن^۳ و نظریه «قدرت هوایی» الکساندر دسورسکی^۴ هر یک به نحوی الگوهای فضایی خاصی را ارائه داده و بر تفسیر و برداشت از قدرت و کنترل جهانی تأثیر گذاشتند (حافظنیا و ربیعی، ۱۳۹۸: ۲۴). مکیندر در نظریه خود، بر قدرت خشکی تأکید فراوان داشت. در ادامه نظریه مکیندر، نیکولاس اسپایکمن (۱۸۹۳-۱۹۴۳) محدوده هلال داخلی و خارجی را که در نظریه مکیندر آمده بود، محدوده سرزمین حاشیه یا ریملند خواند که در محاصره آبهاست. او بیشتر بر قدرت دریایی تأکید می‌کرد (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۴). در برابر مکیندر و اسپایکمن، آلفرد تایر ماهان (۱۸۴۰-

۱ Alfred Thayer Mahan

۲ Halfred McInder

۳ Nicholas John Spikman

۴ Alexander Desorsky

۱۹۱۴) به تئوری قدرت دریایی و تأکید بر آن پرداخت. وی توان دریایی را اساس قدرت ملی می‌داند. براساس این تحلیل، توان دریایی نقش تعیین کننده‌ای بر قدرت ملی و رشد آن دارد (mahan, 1897: 148).

از دیدگاه مکیندر، خلیج فارس محل تقابل قدرت‌هاست و به همین دلیل نفوذ در آن و گسترش این نفوذ اهمیت دارد. با توجه به نظریه دسورسکی، منطقه خلیج فارس در محدوده منطقه تصمیم قرار می‌گیرد و می‌توان منطقه خلیج فارس را منطقه درگیری ابرقدرت‌ها دانست (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۸: ۱۵).

۱. زمینه جغرافیایی و پیوستگی تاریخی بحرین با ایالت فارس

بحرین در گذشته سرزمین وسیعی بود که از طرف شرق به کناره‌های خلیج فارس و از جهت غرب به یمامه و از شمال به بصره و از ناحیه جنوب به سرزمین عمان متصل بود (بکری، ۱۹۹۲: ۲۳). سهراب، بحرین را همراه با یمن و یمامه و عمان از بلاد معمور شبه جزیره عرب قرار داد (سهراب، ۱۹۲۹: ۴۶). استخری آن را بخشی از ناحیه نجد دانسته، اما در تحقیقات جدید بحرین از عروض شمرده شده است (جواد علی، ۱۹۹۳: ۱۷۴/۱). بحرین شامل منطقه‌ای وسیع است که همه شهرها و مناطق میان بصره تا عمان را در برمی‌گیرد (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱۴۴/۱). به عبارتی، سواحل خلیج فارس میان بصره و عمان بوده است (زمخشری، ۱۳۵۷ق: ۱۲). امروزه از لحاظ جغرافیایی این کانون بر کشورهای کویت، قطر، بحرین و قسمت اعظمی از امارات مطابقت دارد. امروزه نام بحرین تنها بر مجموعه جزایر واقع در نزدیک سواحل عربی خلیج فارس اطلاق می‌شود که شامل جزیره منامه (مرکز بحرین) و جزیره‌های المحرق، ام نعبان، ستره و تعداد دیگری از جزایر سنگی است (وهبه، ۱۳۸۷: ۹۱-۹۶).

در مورد وجه تسمیه آن یاقوت حموی در معجم البلدان آورده است آب یکی از روستاهای بحرین که نزدیک اِحساء و هجر بوده، به رنگ سبز تبدیل شده است و به همین مناسبت بحرین نام گرفت (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱۴۴/۱). البته همدانی وجه تسمیه آن را وجود دو نهر به نامهای محلم و عین الجریب دانسته است (همدانی، ۱۴۱۰: ۱۴۱).

۲. دوره‌های استقلال و وابستگی بحرین تا زمان به قدرت رسیدن عیونی‌ها

در دوره زندگانی پیامبر و ابوبکر (۱۱-۱۳ق) و عمر (۱۳-۲۵ق) بحرین از توابع حکومت اسلامی در مدینه بود و گاهی بحرین را همراه با عمان تحت فرمان یک والی قرار می‌دادند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۹۲-۹۳). در دوره خلافت عثمان (۲۴-۳۵ق) بحرین به بصره ملحق شد، اما در دوره خلافت امام علی (ع) (۳۵-۴۰ق) بحرین والی مستقلی داشت (الشریف الرضی، [بی‌تا]: ۳۴۴). در عصر اموی (۴۱-۱۳۲ق) بحرین از توابع بصره بود و از سوی خلیفه والیان برای اداره آن تعیین می‌شدند و ساکنان آن در اداره امور به والی مراجعه می‌کردند (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۲۲۲). با ظهور خوارج، بحرین به پایگاهی برای آنها تبدیل شد و برای زیر فشار قرار دادن خلافت اموی، بحرین را از بدنه خلافت جدا کردند و راه‌های منتهی به حجاز را قطع کردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۰۳/۳).

در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) بحرین به قلمرو خلافت ضمیمه شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۴۴۴/۲). در دوره حکومت آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) به‌ویژه سده چهارم، جزایر و سواحل خلیج فارس به اوج رونق خود رسیدند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۰). با ضعف شدن قدرت آل بویه، خلیج فارس تحت سلطه سلجوقیان کرمان به رهبری ملک قاورد (۴۴۲-۴۶۵ق) درآمد (منشی کرمانی، ۱۳۷۳: ۳۳).

در نیمه دوم سده پنجم قمری، حکامی که از آن پس به حکام عیونی شهرت یافته بودند، موفق به تشکیل یک دولت محلی در بحرین شدند. عبدالله بن علی بن محمد بن ابراهیم عیونی موفق شد در سال ۴۶۹ق. قدرت را در احساء به دست گیرد و پایه‌های حکومتی را در سرزمین بحرین پی‌ریزی کند که حدود ۱۷۰ سال یعنی تا سال ۶۳۶ق. تداوم یابد (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۱۸۱/۳).

ضعف امرای عیونی، طمع برخی قبایل ساکن بحرین به‌ویژه بنی‌عامر را برای تصاحب ثروت و نفوذ بیشتر برانگیخت. قتیف اولین شهری بود که به اطاعت قبایل بنی‌عامر درآمد و شیخ ابو‌عاصم بن سرحان بن محمد بن عمرو بن سنان در سال ۶۳۰ق. حکومت آنجا را به دست گرفت (الاحسائی، ۱۴۰۲: ۱۱۲/۱). احساء دومین مرکز قدرت عیونی‌ها، توسط یکی دیگر از رهبران همین قبایل به نام شیخ عصفور بن راشدین عمیره در سال ۶۴۲ق. تصرف شد (همو، همان، ۱۱۶-۱۱۸). با سقوط احساء، بخش مهمی از بلاد بحرین به اشغال شیخ عصفور درآمد (قلقشندی، ۱۹۸۰: ۱۸۴/۲). قبایل بنی‌عامر با در اختیار گرفتن

مراکز مهمی چون قطیف و احساء، به تدریج از زندگی بیابانگردی دست کشیدند و با مشاهده ثروت‌های ناشی از تجارت و صید مروارید در سواحل بحرین، بیابان‌ها را به سوی این سواحل ترک کردند و به عنوان یک قدرت سیاسی در بحرین ظاهر شدند.

۳. روند و عوامل تسلط سلغریان بر بحرین به عنوان حوزه نفوذ ایالت فارس

اتابکان فارس یا سلغریان، گروهی از ترکمن‌ها بودند که در نیمه قرن ششم قمری در زمان ضعف دولت سلجوقیان، قدرت را در فارس به دست گرفتند. در دوره حکومت اتابک ابوبکر زنگی، خلیج فارس اهمیت چشمگیری در سیاست سلغریان فارس یافت. اتابک ابوبکر در سال ۶۲۸ق. جانشین پدر خود اتابک سعد (۵۹۹-۶۲۳ق) شد. در دوره فرمانروایی وی، دولت سلغریان فارس به بالاترین حد رشد و شکوفایی خود رسید. در یورش که اتابک ابوبکر به جزیره کیش ترتیب داد، توانست سیف‌الدین امیر هرمز را شکست دهد و جزیره کیش را تصاحب کند و آن را دولتخانه خود قرار دهد (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۳). انتخاب جزیره کیش به عنوان دولتخانه، تحول مهمی در رشد و توسعه دولت سلغریان فارس در سواحل خلیج فارس به دنبال داشت. آنها پس از تصاحب کیش، برای اولین بار به عنوان یک قدرت دریایی ظاهر شدند و کناییت که در سواحل هند قرار داشت، در پی همین تحول به تابعیت و اطاعت سلغریان فارس درآمد (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۸۴/۲). از این پس طغرای منشور اتابک، وارث ملک سلیمان، عادل جهان، سلطان البر و البحر، مظفر الدنیا و الدین، ابوبکر بن سعد بن ناصر عبادالله المؤمنین شد (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

اتابک ابوبکر سلغری در سال ۶۳۰ق. اولین یورش خود را برای تصرف جزیره اوال که در آن زمان مرکز بحرین بود، انجام داد، ولی با مقاومت محمد بن محمد امیر عیونی (۶۳۶ق) مواجه شد (ابن مقرب، ۱۳۱۰: ۲۳۹). البته در یورش دوم به سال ۶۳۶ق. از راه دریا توانست جزیره اوال را تصرف کند (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۳). اتابک ابوبکر سلغری با در اختیار گرفتن جزیره اوال که در ساحل بحرین بود، راه انتقال نیروهایش را فراهم کرد. وی پس از فتح جزیره اوال، بلافاصله تصمیم به فتح قطیف گرفت (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۵). حکومت قطیف در این زمان در دست یکی از رؤسای بنی‌عامر به نام شیخ ابو عاصم

(۶۳۰-۶۴۱ق) بود. وی از بزرگان و سرشناسان قبایل ساکن قطیف و یکی از نیرومندترین سران این قبایل بود (قلقشندی، ۱۹۸۰: ۱۲۱/۲). دژهای استوار و مستحکم قطیف و فراوانی مدافعان متشکل از قبایل عرب ساکن این شهر، مانع از سقوط شهر در برابر سلغریان شد (فسایی، ۱۳۸۲: ۲۵۵/۲).

در این زمان که سپاهیان مغول به قلمرو سلغریان فارس رسیدند، اتابک ابوبکر برادر خود تهمتن را با هدایای نفیس، از جمله مرواریدهای گران بها به اردوی خان مغول فرستاد (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۸۹). خان مغول پذیرفت و لقب قتلغ به اتابک ابوبکر سلغری داد (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۳). با فروکش کردن خطر مغولان، در سال ۶۴۱ق. فرصت مناسبی در اختیار سلغریان فارس قرار گرفت و آنها موفق به تصرف قلعه تاروت شدند. این قلعه در شرق قطیف قرار داشت و نقش حمایتی از شهر قطیف و واحه‌های متصل به آن را داشت. با تصرف قلعه تاروت، راه فتح قطیف برای سلغریان باز شد و این شهر به تصرف سلغریان فارس درآمد. برای اداره مستقیم این شهر، پایگاه‌هایی تأسیس شد و عناصر سلغری در آن قرار گرفتند (همان، ۱۰۵).

پس از آنکه سلغریان سرزمین بحرین را تصرف کردند، حوزه نفوذ آنها به سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس گسترش یافت و شبکه وسیعی از راه‌های تبادل تجاری در اختیار آنها قرار گرفت. همچنین آنها راه‌های ارتباطی داخل شبه جزیره عرب را که به سواحل بحرین منتهی می‌شد، تحت کنترل خود درآوردند. با این فتح، حوزه نفوذ سلغریان بر سرزمین‌های وسیعی از مناطق کرانه‌ای و پس کرانه‌ای و جزایر خلیج فارس گسترش یافت.

۴. عوامل و روند تاریخی زوال تسلط سلغریان بر بحرین

سلغریان مقیم قطیف، از قبایل بنی‌عامر به مرکز خود در فارس شکایت کردند (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). قبایل بنی‌عامر به رهبری شیخ عصفور که حضور سلغریان فارس را برنمی‌تافتند، حملات و یورش‌های متعددی را بر ضد مراکز نظامی و اداری سلغریان فارس که در قطیف وجود داشتند، سازماندهی کردند (خوری و تدمری، ۲۰۰۰: ۱۲۰). این قبایل در دوره قبل از حضور سلغریان در بحرین، با امرای عیونی به رقابت برخاسته بودند و توانستند نفوذ عیونی‌ها را به جزیره اوایل محدود کنند. این بار رقابت میان قبایل بنی‌عامر و

سلغریان حتمی شد؛ به همین دلیل حکومت سلغریان در فارس را مجبور به ارسال کمک و امداد کردند (خلیل، ۲۰۱۱: ۲۸). این شرایط هزینه‌های مادی و انسانی زیادی برای تداوم سلطه سلغریان فارس بر قطیف و بحرین در پی داشت. اتابک از در ملاطفت درآمد و مقرر کرد که هر سال هنگام چیدن خرما دوازده هزار دینار مصری به مشایخ و امرای عرب برساند و زیاده از این تعرضی نرسانند. اعراب راضی شدند و تا به امروز آن رسم بر جای است (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

قبایل بنی عامر به سبب حضور نیروهای سلغری در بحرین از آنها باج گرفتند و آن را حق طبیعی خود در برابر وجود این نیروها می‌دانسته‌اند (قزوینی، ۱۳۴۳: ۱۲۷). اتابک برای رهایی از بار مالی و نظامی و ضررهایی که عصفوریان بنی عامر به مرکز سلغریان در قطیف وارد کردند، در برابر ارسال باجی سالانه به خزانه خود در فارس، حکومت قطیف را به رهبران قبایل بنی عامر سپرد (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). وصاف نام دو تن از سران قبایل بنی عامر، یعنی شیخ عصفوربن راشدبن عمیره و شیخ مانع‌بن علی‌بن ماجدبن عمیره را آورده و اضافه کرده است که سلطه آنها بر بحرین تا زمان حیات خودش ادامه داشته است (همان، همان‌جا).

پس از واگذاری حکومت بحرین به قبایل بنی عامر، عصفوربن راشد به عنوان رهبر بزرگ این قبایل توانست حکومت بحرین را در میان فرزندان خود موروثی کند. ابن سعید در معرفی قبایل بنی عامر گفته است آنها اعراب یمامه و بحرین می‌باشند (ابن سعید، ۱۹۷۰: ۱۳۲-۱۸۰). ابن خلدون نیز همین گزارش ابن سعید درباره نفوذ و قدرت عصفوریان بنی عامر را به شکل دیگری از زبان ابن سعید نقل کرده است (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۶۰/۱). در برخی منابع از جمله تاریخ وصاف و فارسنامه یورشها و تهدیدهای قبایل ساکن بحرین، به‌ویژه قبایل بنی عامر علت عقب‌نشینی سلغریان از بحرین یاد شده است، اما پس از بررسی تحولات معاصر این دوره در حوزه خلیج فارس و سرزمین‌های مجاور، دلایل دیگری نیز اهمیت می‌یابند که به شرح زیر است.

۴-۱. یورش مغولان

پس از تهاجم مغول، از جمله اندک حکومت‌هایی که از این یورش جان سالم به در بردند

و به حیات خود ادامه دادند، اتابکان سلغری فارس بودند. این حکومت‌ها در برابر گردن نهادن به سلطه مغولان و پرداخت باج، به فرمانروایی خود ادامه دادند. بنا به نقل مؤلف تاریخ و صاف، اتابک ابوبکر سلغری بر سیل خراج، هر یک سال در میان رسماً سی هزار دینار رکنی برای خان می‌فرستاد و اندکی مروارید و سایر طرایف بر آن می‌افزود. هر سال پسر خود اتابک سعد یا یکی از برادرزادگان را به حضرت می‌فرستاد (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۴).

در قلمرو شاهان دست‌نشانده، باساقانی مستقر بودند که به ظاهر وظیفه کمک به شاه را برای دریافت مالیات داشتند، اما در باطن وظیفه تحت کنترل درآوردن او را برعهده داشتند و به همین سبب نیز محبوبیتی نداشتند (اقبال آشتیانی، ۱۳۳۴: ۳۲۲). این امر از دید اتابک ابوبکر پنهان نماند و به همین دلیل اقداماتی انجام داد. وی شحنگان مغول را بیرون از شهر جای داد و از ارتباط آنان با مردم ممانعت کرد تا مبادا بر احوال مملکت اطلاع یابند، اما خطر مغولان در کمین سلغریان بود و اتابک ابوبکر در چنین وضعی، مقرر حکومت را به باغ فیروزآباد منتقل کرد (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۶).

با وجود این، فشار و زیاده‌خواهی مأموران مغولی، سلغریان را در شرایط سختی قرار داد. و صاف گزارش روشنی درباره تنزل اوضاع اقتصادی شیراز، مرکز حکومت سلغریان آورده است، اتابک ابوبکر انار الله برهانه با خواص دولت مشورت کرد که اکنون درآمد ملک کفاف توقعات خواتین و امراء طمّاع مغول نمی‌کند. در نتیجه به پیشنهاد عمادالدین میراثی که منصب انشاء داشت، قوانین جدید مالیاتی وضع شد و به قول و صاف تا آنجا پیش رفتند که در گرفتن مال دیوانی بر مردم اجحاف کردند. چون به کار جمع‌آوری پرداختند، بر رعایا سخت گرفتند و تا آخرین پیشیز هر چه معین شده بود، به دیوان اتابک رساندند. اتابک کم‌کم به ضبط املاک و اموال بزرگان کشور پرداخت (آیتی، ۱۳۸۳: ۹۶).

۴-۲. رقابت بنی‌عامر

یکی از ویژگی‌های طبیعی بحرین، نفوذ تدریجی قبایل بیابانگرد به شهرها در شرایط خاص بود. چنان‌که کوپر^۱ شرح داده، نفوذ صحراگردان نتیجه عامل یا عواملی بود که قدرت را

در شهرها تضعیف می‌کرد. از بین این افراد، برخی رهبران قبایل بودند که رابطه خود را با قبایل خود حفظ کردند و پس از سکونت در شهرها، با رهبران تأثیرگذار در حیات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در ارتباط بودند و به اشکال به رقابت‌ها کشیده شدند و در این رقابت‌ها بر قبایل خود متکی بودند. این تصور بر قبایل بنی‌عامر از میانه قرن ششم، به‌ویژه پس از آنکه بادیه را رها کردند و در شهرها ساکن شدند، منطبق است. آنها پس از مهاجرت از سرزمین اصلی خود در نجد، به بحرین آمدند و متحد قرمطیان بحرین شدند. با ضعف قرامطه بحرین، در رکاب آنها بر ضد عیونی‌ها و نیروهای خلافت که به یاری آنها آمده بودند، جنگیدند. سلطه عیونی‌ها بر بحرین، مانع از تکاپوی بنی‌عامر بر باج‌خواهی آنها نشد. عبدالله عیونی برخلاف قرمطیان با آنها جنگید و آنها را شکست داد و تعداد زیادی از بنی‌عامر به بصره کوچ کردند (ابن‌مقرب، ۱۳۱۰: ۵۳۳).

ضعف قبایل بنی‌عامر چندان طول نکشید و رقابت آنها با حاکمان عیونی به جنگ کشیده شد؛ چنان‌که دیوان شعر ابن‌مقرب شاعر عیونی، پر از اشاراتی درباره فعالیت بنی‌عامر و جنگ‌هایی است که میان آنها و عیونی‌ها روی داد و بارها قتیف و احساء را محاصره کردند (ابن‌مقرب، ۱۳۱۰: ۱۴۷). بنی‌عامر اصرار داشتند عیونی‌ها همچون قرامطه به آنها باج بدهند و در نتیجه موفق شدند. ابن‌مقرب سرزمین بحرین را ملک بنی‌عامر دانسته است؛ زیرا آنها اهل بادیه و نگهبانان آن بودند (ابن‌مقرب، ۱۳۱۰: ۱۱۱-۱۱۲). سرسپردگی حاکمان عیونی به بنی‌عامر، نشانه آشکاری بر ناتوانی عیونی‌ها در سیطره بر بنی‌عامر بود و به همین دلیل از سیاست راضی نگه داشتن بنی‌عامر پیروی می‌کردند. این امر را می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که بنی‌عامر مسئولیت حمایت از شهرها و روستاها و راه‌های تجاری و حجاج را در قبال دریافت مالی مشخص از کشاورزان و تاجران و حاجیان و حاکمان برعهده گرفته بودند. این وضع رابطه قبایل بنی‌عامر با اقشار مردم بحرین را بیشتر کرد و در آینده آنها را قادر ساخت که این روابط را به روابطی سیاسی تبدیل کنند. از طرف دیگر، رهبران بنی‌عامر را در وضعی مادی قرار داد که بتوانند دوستی رهبران قبایل کوچک دیگر را از طریق بخشش‌ها و صلح‌ها جلب کنند تا آنها رهبری بنی‌عامر را بپذیرند و از دست‌اندازی به راه‌های ارتباطی دست بکشند. این روند به افزایش نقش بنی‌عامر در صحنه سیاسی سرزمین بحرین کمک کرد. گزارش‌های ابن‌اثیر و

ابن خلدون بر افزایش این نفوذ در پایان قرن ششم دلالت دارد؛ چنان که طی سال ۵۸۸ق. قبایل بنی عامر بصره را غارت کردند و دو قبیله خفاجه و متفق را که برای مقابله با آنها آمده بودند، شکست دادند. این یورش‌ها در سال‌های ۵۹۳ و ۵۹۷ق. نیز تکرار شد که حاکی از ضعف حکومت عیونی بود که خلیفه الناصر عباسی حمایت اطراف بصره و راه حاجیان را به آنها موکول کرده بود (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۵۳۰/۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۱۹/۹).

۳-۴. ظهور محمود قلهاتی

«محمود قلهاتی» امیر هرموز، رقیب جدیدی در برابر سلغریان بود. وی خراج‌گذار امرای کرمان بود و ناوگان دریایی نیرومندی ترتیب داد و حکام اطراف را به وحشت انداخت (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). وی که بر جزیره هرمز دست یافته بود و قلمرو نفوذش تا عمان نیز رسید، تلاش کرد دایره نفوذ خود را گسترش دهد و مدخل خلیج فارس را به دست گیرد (نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۷). بی‌شک ظهور این قدرت جدید در خلیج فارس نه تنها سلغریان، بلکه تمام اطرافیان را به وحشت انداخت و اتابک ابوبکر برای حفظ جزیره کیش به عنوان دولتخانه خویش، وادار به واکنش شد. او سپاه و سلاح و ساز و برگ جنگی و کشتی آماده کرد و پیوسته مواظب آن حدود بود (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)؛ به‌ویژه اگر این احتمال را می‌داد که محمود برای رویارویی با سلغریان به عنوان دشمن مشترک، با قبایل بنی عامر که اینک به قدرتی مهم در بحرین تبدیل شده‌اند، متحد شود. بنابراین می‌توان گفت احتمالاً اوضاع و دلایل گفته شده، علت چرخش سیاست اتابکان سلغری فارس به رهبری ابوبکر زنگی در رابطه با بحرین و تسلیم قدرت آنجا به قبایل بنی عامر بوده و با این اقدام آنها، هرگونه احتمال اتحاد محمود قلهاتی امیر هرموز با قبایل بنی عامر بحرین ختنی شده است.

۵. شواهد باستان‌شناسی از روابط فارس و بحرین

در این بخش برخی شواهد باستان‌شناسی درباره ارتباط تاریخی بحرین با فارس، به‌ویژه در محوطه‌های باستان‌شناسی بندر حریره کیش و قلعه ساحلی بحرین ارائه شده است.

۱-۵. آثار باستانی جزیره کیش

پس از مهاجرت بازرگانان از بندر سیراف به منطقه شمالی جزیره کیش، بنیان شهری

محکم و استوار به همراه برج و بارو با وسعتی بیشتر از دوازده هکتار آغاز و به نام شهر حریره معروف شد (شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۶۶-۷۸). بنا به گزارش‌های باستان‌شناسان، پرروقت‌ترین دوره اسلامی کیش مربوط به سال‌هایی است که جزیره تحت نفوذ اتابکان فارس، به خصوص ابوبکر بن سعد زنگی بوده و زمانی است که سعدی شاعر بزرگ از آنجا دیدن کرده و داستان ملاقات خود با بازرگانان کیش را در کتاب *گلستان* آورده است.

به دنبال کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در جزیره کیش، به‌ویژه در محل‌های معروف به ناحیه صنعتی و خانه اعیانی، آثاری چون وسایل سفالی و گچ‌بری‌های تزئینی و انواع شیشه و سلاذن یافته شده است که همگی مربوط به دوره اسلامی، به‌ویژه دوره حکومت سلغریان فارس است (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۱۰). با توجه به قطعات اشیای پراکنده در سطح محوطه و وسعت آن و همچنین تأسیسات آبی و معماری می‌توان استنباط کرد که محوطه مربوط به یک بندر بوده است (کیبری و فرهنگی، ۱۳۷۲: ۱۲۹).

در بندر حریره از پدیده معماری منحصر به فردی پرده برداشته شده که تاکنون در هیچ جای ایران دیده نشده است. این نوع معماری عبارت است از اتاق‌هایی با کف شیب‌دار به شکل گرده ماهی که در مجموعه صنعتی ساحلی به تعداد زیادی کشف شده است. بنا به نظر «رمی بوشارلات»^۱ باستان‌شناس فرانسوی، این تأسیسات فقط به منظور استحصال شیر خرمای بوده و شواهدی از آن در سواحل جنوبی خلیج فارس به دست آمده است (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). همچنین مقدار زیادی سفال کشف شده است که این سفال‌ها به سه گروه ساده، لعاب‌دار و سلاذن تقسیم می‌شوند و هر یک از آنها با توجه به نوع تزئین، دسته‌بندی شده‌اند. مقدار زیادی سفال ساده اسلامی به رنگ قرمز، نخودی و خاکستری لعاب‌دار یافت شده است. از مهم‌ترین گروه سفالینه‌های لعاب‌دار کیش، نوع تزئینات زیر لعاب است که بنا به گزارش «پیتر فاریز» از نوع سفال‌های مکشوفه سواحل خلیج فارس و بحرین است (همان، ۲۱۰). همچنین قطعات گچ‌بری یافت شده، به‌ویژه در محل خانه اعیانی بندر حریره که برای تزئین بنا استفاده شده، از اجزای بسیار هنرمندانه برخوردار بوده و نشان دهنده اوج هنر گچ‌بری در کیش است. نوع آن از گچ‌هایی است که امروزه

۱ REMY BOSCHARLAT

نیز همچنان در سواحل و جزایر خلیج فارس استفاده می‌شود و در برابر رطوبت و گرما مقاوم و استوار است. گفتنی است کتیبه کاملی از این گچ‌بری‌ها به دست نیامده است، ولی برخی کلمات مثل الامور، الدوله و غیثا مستفاد می‌شود. بر روی یکی از قطعات، تاریخ «سبعمه» (سبعمائه) مشخص است که با تاریخ بنا مطابقت دارد (همان، ۲۲۳).

۲-۵. آثار باستانی جزیره بحرین

در کاوش‌های صورت گرفته در قلعه بحرین، سفال‌های داخل قلعه و شکل معینی از برج‌های مدور، گواه دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱م) است. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بازسازی و بهره‌برداری دوباره قلعه توسط سلغریان فارس در نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی بوده است و نقش تعیین کننده‌ای در تاریخ طولانی این قلعه ایفا کرده و به وقفه‌ای طولانی - تقریباً به مدت ده قرن - در استفاده از آن پایان داده و حاکی از بازگشت بحرین به چرخه تجاری خلیج فارس در نتیجه این اشغال بوده است (Kervran & Hiebert & A. Rougeulle, 2005: 283-284). قلعه چهارضلعی از معماری زیبا که حدود سال ۱۲۵۰م. در دولت اتابک ابوبکر سلغری ششمین اتابک فارس بازسازی شده، جدا از سایر بنای قلعه تاریخی بحرین بوده و به شکل کامل ویران شده است. این محل همزمان به عنوان انبار تجاری و استحصال شیر خرمای برای چندین دهه مورد استفاده قرار گرفته بود که Kervran تاریخ ترک این قلعه را سال ۱۳۰۰م. دانسته و پس از آن تاریخ، قلعه رو به ویرانی گذاشته است (همان، ۳۲۹). آثار باقیمانده نشان می‌دهد که این قلعه توسط سلغریان بازسازی شده است. FRIFELT در کتاب خود از کشف تعدادی سکه و وزنه فلزی یاد کرده است (FRIFELT, 2001: 61). نیکلاس لویک^۱ در تحقیق خود درباره سکه‌های یافت شده، جزیره بحرین را محل ضرب سکه متعلق به سلغریان فارس دانسته است. همچنین در جزیره بحرین سکه‌های مسی یافت شده که نام «آبش خاتون» دختر اتابک سعدبن ابوبکر زنگی (۱۲۶۴-۱۲۸۶م) آخرین حاکم سلغری حک شده است (loweck, 1974: 333; FRIFELT, 2001: 61).

۱ NICHOLAS LOVICK

قدیمی‌ترین بخش اسلامی قلعه مربوط به فضایی است که از سوی باستان‌شناسان دانمارکی بازار تفسیر شده است که در آن اتاق‌های مربعی‌شکل به ابعاد ۳×۳ متر و در مجاورت هم ساخته شده و به سمت فضاهای متعدد مدور باز می‌شوند. این اتاق‌ها محل‌هایی بوده که در هر یک فعالیت خاصی، به‌ویژه مسگری و سفال‌سازی و انبارداری و غیره صورت می‌گرفته و به احتمال دادوستد می‌شده است (FRIFELT, 2001: 48). البته یک گروه باستان‌شناس فرانسوی آن را بقایای کاروان‌سرای بسته و مشابه موردی که دکتر وایتهاوس^۱ در بندر سیراف نشان داده، دانسته‌اند و سفال‌هایی از نوع تولید محلی و منقوش جلفاری و سلاذن‌های چینی و سفال‌های ایرانی یافته‌اند (LOMBARD, 2005: 48). در کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه بحرین تعداد زیادی از این پدیده‌های معماری با اتاق‌های کف شیاردار در محوطه‌های کاوشگری قلعه بحرین یافت شده است که باستان‌شناسان تأکید می‌کنند اتابک ابوبکر سلغری هشت اتاق از قلعه بحرین را برای تهیه شیره خرما طی قرن ۱۳م. به کار برده است (همان، ۲۴). این نوع معماری دقیقاً مانند نمونه‌ای است که در بندر حریره کشف شده بود.

در این نوع معماری که همزمان انبار کردن و استحصال شیره خرما صورت می‌گرفت، کفی با شیارهای موازی وجود داشته که با فشرده شدن خرما شیره آن در این شیارها جاری می‌شد. در نهایت، همه شیارها به یک شیار منتهی می‌شدند و معمولاً با گذاشتن سفالی بزرگ در گودی انتهای این شیار، شیره خرما را جمع‌آوری می‌کردند. بالای این شیارها را با شاخه‌های درخت خرما می‌پوشانند تا ضمن باز نگه داشتن مسیر این شیارها برای خروج شیره، خرما را از آسیب رطوبت زمین حفظ کنند (حسین، ۲۰۱۷: ۴۶). گزارش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که کیش و بحرین به عنوان بخشی از حوزه نفوذ سلغریان فارس، شاهد عصر طلایی خود در سایه قدرت سلغریان فارس بودند. آثار به جای مانده به‌ویژه سفال‌های متنوع نظیر سفال‌های محلی، ایرانی و چینی حاکی از رشد تجارت سفال بوده و هر دو مرکز کیش و بحرین نقش مکملی در رابطه با حمل و نقل و انبار و عرضه و فروش سفال داشته‌اند. همچنین وجود معماری منحصر به فرد تهیه شیره خرما -

۱ White House

که هم در کیش و هم در بحرین یافت شده - اهمیت و جایگاه خرماي بحرین برای اتابکان سلغری فارس را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

شبکه شامل سطوح مختلفی از دلایل، موجب عقب‌نشینی اتابکان سلغری فارس از بحرین شد. در سطوح محلی، وقایعی چون رقابت قبایل بنی‌عامر با سلغریان فارس وجود داشت. این قبایل در سایه ضربات سهمگین ملوک بنی‌قیصر کیش و بعد سلغریان فارس بر امرای عیونی بحرین، بر قدرت و نفوذ خود افزودند و توانستند با سلطه بر بخش‌هایی از بحرین، به عنوان یک قدرت تأثیرگذار در برابر سلغریان عمل کنند. آنها توانستند با استفاده از توان نظامی قبایل خود، در درآمدهای بحرین با سلغریان سهم شونند و در نهایت، با تضعیف سلطه سلغریان در بحرین، جانشین آنها شونند.

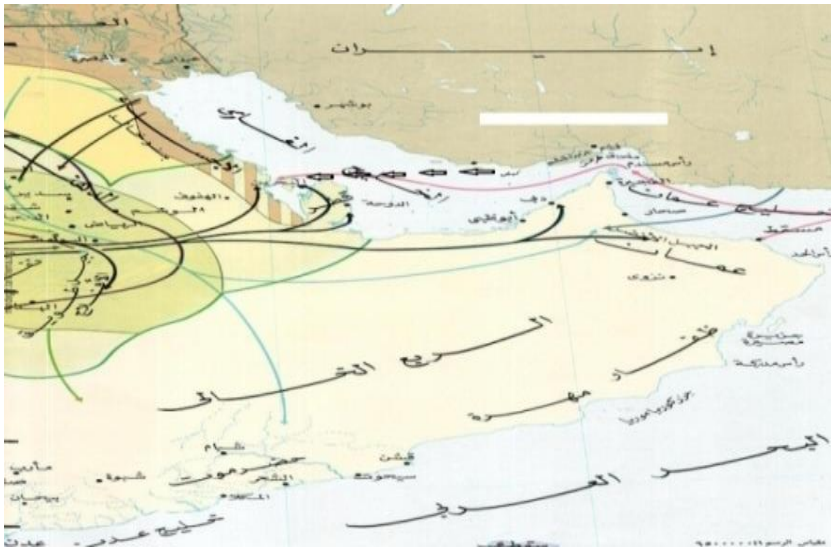
در سطح منطقه خلیج فارس ملوک جدید هرموز برای تصاحب بنادر و جزایر تجاری خلیج فارس، با سلغریان به رقابت برخاستند؛ به‌ویژه در دوره به قدرت رسیدن محمود قلهاتی، ملوک هرموز در نتیجه ایجاد ناوگان دریایی به قدرت مهمی تبدیل شدند. با بسط نفوذ آنها از هرموز تا سواحل عمان، دولتخانه اتابکان فارس یعنی کیش در معرض خطر قرار گرفت که اتابک ابوبکر برای دفاع از آن، مجبور به ارسال نیرو و ادوات دفاعی شد.

البته در سطح بین‌المللی باید به یورش‌ها و حملات مغولانی چون باسقاقان و شحنگان فارس اشاره کرد. باسقاقان و شحنگان به عنوان مأموران مالیاتی مغولان، پا از حد فراتر نهادند و با گرفتن مالیات و اخذی، مردم را در فشار قرار دادند و زمینه‌ساز رکود تجارت و توقف کشت و کار و ویرانی آبادی‌ها شدند. سلغریان که برای راضی نگه داشتن عناصر مغولی به دادن انواع هدیه و رشوه روی آورده بودند، با مقرر کردن مالیات جدید فشار زیادی بر مردم وارد کردند و همین امر زمینه‌ساز تنزل اقتصادی مرکز سلغریان یعنی شیراز شد.

پیوست‌ها



تصویر ۱. قلعه تاروت که در جزیره تاروت و شرق قطیف قرار داشت. این قلعه توسط عیونی‌ها احداث و توسط پرتغالی‌ها تجدید بنا شد (الدروره، ۲۰۰۱: ۱۶۲)



تصویر ۲. علامت جهت یورش سلغریان به بحرین را نشان می‌دهد



تصویر ۳. معماری استحصال شیرۀ خرما، یافته شده در قلعه بحرین (Lombard, 2005: 17)



تصویر ۴. سازه استحصال شیرۀ خرما در بندر حریره (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۴۸)



تصویر ۵. قسمت A: بخش بازار یا کاروان‌سرا؛ قسمت B: بخش‌های دیگر قلعه بحرین (Lombard, 2005: 37)

منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۹۸)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳)، *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۳.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، بیروت: دار بیروت.
- ابن بلخی، (۱۳۷۴ش)، *فارسانامه*، توضیح و تحشیة منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن جوزی، محمد (۱۹۹۲م)، *المنتظم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳ش)، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن سعید، علی بن موسی (۱۹۷۰م)، *کتاب الجغرافیا*، بیروت: دارالکتب.
- ابن قتیبه، آبی محمد عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲)، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، چ ۶.
- ابن مقرب، جمال‌الدین (۱۳۱۰ق)، *دیوان شعر*، الهند: مطبعه دپرساد.

- احسائی، محمدبن عبدالله انصاری (۱۴۰۲ق)، تحفه المستفید بتاریخ الاحساء فی التقدیم و الجدید، تعلیق محمد نورالدین، ج ۲، بیروت: مکتبه الاحساء.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۳۴)، تاریخ مغول در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بکری، ابو عبدالله (۱۹۹۲)، مسالک و ممالک، [بی جا]: دارالغرب الاسلامی.
- بلاذری، احمدبن یحیی (۱۹۸۸م)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- جواد علی (۱۹۹۳)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۲، بغداد: جامعه بغداد.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵ش)، تاریخ جهانگشای جوینی، به اهتمام شاهرخ موسویان، براساس تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- حافظ نیا، محمدرضا و حسین ربیعی (۱۳۹۸)، مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات سمت.
- حسین، محمدحسین (۲۰۱۷)، الآثار الاسلامیه فی مملکه البحرین فی قمره الدوله العیونیه (۱۰۷۷-۱۲۳۹م)، منامه: سلسله مقالات نشره فی صحیفه الوسط.
- خلیل، محمد محمود (۲۰۱۱)، عرب البحرین، المنامه: مکتبه الثقافه الدینیة.
- خوری، ابراهیم و محمد جلال تدمری (۲۰۰۰)، سلطنه هرمز العربیه، رأس الخیمه: مرکز الدراسات و الوثائق.
- الدروره، علی ابراهیم (۲۰۰۱)، تاریخ الاحتلال البرتغالی للتطیف (۱۵۲۱-۱۵۷۲م)، ابوظبی: المجمع الثقافی.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود (۱۳۵۷ق)، الجبال و الامکنه و المیاه، مجلد ۲، النجف: المطبعة الحیدریة.
- سهراب (۱۹۲۹م)، عجایب الاقالیم السبعه الی نهاییه العماره، تصحیح هانس فون مزیک، فینا: [بی نا].
- شایسته‌فو، مهناز (۱۳۸۹)، «جاذبه‌های گردشگری بناهای مذهبی بنادر و جزایر خلیج فارس»، مجله کتاب ماه هنر، ش ۱۴۹، صص ۶۶-۷۸.
- الشریف الرضی، محمدبن الحسین [بی تا]، نهج البلاغه، تحقیق احمد عاشور، مصر: مطابع دارالشعب.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوبلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات سمت.
- غفاری قزوینی، احمد (۱۳۴۳ش)، تاریخ جهان آرا، تصحیح حسن نراقی، تهران: نشر حافظ.
- فسایی، میرزا حسن حسینی (۱۳۸۲ق)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگاری، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قلقلشندی، احمد (۱۹۸۰م)، نهاییه الارب فی معرفه انساب العرب، تحقیق ابراهیم الایاری، ج ۲، قاهره: دار الکتاب المصری.
- کبیری، احمد و عادل فرهنگی (تیر ۱۳۷۲)، «مرمت بناهای تاریخی شهر کیش و محوطه بندر حریره»، مجله اثر، ش ۲۲ و ۲۳، صص ۷۶-۱۵۰.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۷۳ش)، سبط العلی للحضرت العلیا، تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات

اساطیر.

- موسوی، سید محمود (۱۳۸۳)، گزارش‌های باستان‌شناسی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ*، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
- وهبه، حافظ (۱۳۸۷ق)، *جزیره العرب فی قرن العشرين*، ریاض: جامعه ابن سعود.
- همدانی، حسن‌بن احمد (۱۴۱۰)، *صفه جزیره العرب*، تحقیق محمدبن علی الاکوع، صنعا: مکتبه الارشاد.
- یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۳۸۳ش)، *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- FRIFELT, K. (2001), *Islamic remains in Bahrain, Jutland Archaeological Society 37, Aarhus, Moesgaard Museum & State of Bahrain, Ministry of Information.*
- Kervan, Monique (2005), *Qalat al-bahrain a trading and military outpost*, Belgium: turnhout.brepol publishers n.v.
- KERVRAN, M. & F. HIEBERT & A. ROUGEULLE (2005), *Qal'at al-Bahrain, A trading and military outpost, 3rd millennium BC – 17th century AD, Turnhout, Brepols, Indicopleustoi 4, almaname.*
- lombard, Pierre (2005), qalat al-bahrain archaeological sait.nomination fil submitted to the world heritage center, unesco, kingdom of Bahrain, ministry of information, directorate of culture and national heritage, alarsad, Almaname.
- Lowick, Nicholas (1974), "letters on the Persian gulf in the light of recent coin evidence", in near eastern numismatic, iconography and history, fredickr and kouy mijian, pp319-333.
- Mahan, Alferd Thayer (1897), *the influence of seapower upon history (1660-1783)*, boston: little brown.